

آینة

ایران

پوست اندازی اروپا در انتخابات پارلمانی

● **علی بیگدلی**، کارشناس مسائل اروپا: انتخابات این دوره از پارلمان اروپا در شرایط ناهنجاری برگزار شد. دو کشور اروپایی فرانسه و انگلیس که اقتدار اروپا محسوب می‌شدند، با مشکلات عدیده داخلی مواجه بودند و ضلع سوم این اقتدار، یعنی آلمان هم اگر چه در انتخابات اخیر به سوسیال‌دموکرات‌ها رای داد اما وضعیت داخلی مناسبی نداشت. آنچه در این سه کشور مشاهده می‌شد، حاکی از آن بود که تفکر چپ در اروپا در حال انزوا است و جای خود را باید به احزایی جدید بدهد. این دوره از انتخابات اروپا از آن جهت اهمیت داشت که نشان داد اروپا در حال پوست‌اندازی است. شاید برخلاف آنچه پنداشته می‌شد، راست افراطی نتوانست شکفتی‌ساز شود اما موفقیت چشمگیر سبزها و لیبرال‌ها نیز حکایت از تغییر چهره سیاسی اروپا دارد. جنبش سبز که از نیمه دوم قرن بیستم کار خود را از آلمان شروع کرد، فاقد پایگاه ایدئولوژیک است و بنیاد خود را بر بوم‌شناختی، زیست‌بوم‌گرایی و مناسبات مسالمت‌آمیز و غیراستعماری بدون توجه به گرایش‌های سیاسی گذاشته است.

فرهنگ‌پسندی

● **فقر، ریشه‌پدیده کودکان کار**

● **ناهد خداگرمی، عضو شورای شهر تهران:** نخبگان، دانشگاهیان و فعالان اجتماعی و سیاسی ملاحظات و رودربایستی‌ها را کنار بگذارند و شفاف از حاصل تحقیقات خود سخن بگویند و روش‌های تشریف‌زایی داخلی، اعتماد به مردم و سازمان‌های مردم‌نهاد و تجدید نظر در مدیریت فرهنگی کشور را که ضرورتی اجتناب‌ناپذیر برای بهبود کسب‌وکار است تبیین کنند. به دولت و نهادهای ذی‌ربط یادآوری می‌شود که به مردم و سازمان‌های مردم‌نهادی که عاشق خدمت به جامعه هستند اعتماد کنید، کشور ما سرزمین وقف، نذر و خیریه است و در هیچ زمانی حاکمیت دخالتی در این حوزه‌ها نداشته است. سازمان‌های مردم‌نهاد می‌توانند نقش مؤثری در مدیریت کنترل فقر و آسیب‌های اجتماعی داشته باشند و قادرند بار بزرگی را از دوش دولت و شهرداری بردارند. اما متأسفانه برخی تنگ‌نظری‌ها در مدیریت کنترلی حاکمیت باعث شده تا این سازمان‌ها نیز نتوانند در این حوزه آزادانه فعالیت کنند. نکته‌تأسف‌انگیز ماجرا اینجاست که هر نهادی به‌راحتی می‌تواند مانعی بر سر راه فعالیت مردم و صاحبان کسب‌وکار غیروابسته به رانت‌های دولتی ایجاد کند و همین مسئله سبب می‌شود تا مشارکت مردمی برای افزایش توان مالی و اقتصادی سازمان‌های مردم‌نهاد کاهش یابد و برخی از آنها مجبورند تا چشم به بوده‌های دولتی یا عمومی شهر داشته باشند.

اقتصاد

● **خسارت به‌قیمت شفافیت**

● **حسن رسولی:** متأسفانه رویه‌ای که در مجلس وجود دارد تداوم رفتارهای غیرشفاف برخی از برگزندگان ملت است به نحوی که در مرحله رای‌گیری از رای‌دهندگان حوزه انتخابیه تصویری که از خود نشان می‌دهند یک چهره اصلاح‌طلب تمام‌عیار از خود است اما وقتی به مجلس راه پیدا می‌کنند با تأثیرپذیری از مراکز قدرت همواره بین قرارگرفتن در یک فضای مطمئن برای کسب تأیید صلاحیت به منظور حضور در انتخابات بعدی و همچنین رفتار اصلاح‌طلبانه دچار دوگانگی می‌شوند که با کمال تأسف این رفتار ناصحیح در مجلس دهم به خوبی هویداست؛ لذا از این جهت صرف‌نظر از نتیجه به‌دست‌آمده رفتار فراکسیون امید در نتیجه شفافیت‌بخشی قابل دفاع است. فراکسیون ولایی در ساعت‌های پایانی رای‌گیری بر خلاف مواضع اولیه که اعلام کرده بودند به لاریجانی رای نمی‌دهند تحت‌تأثیر فشارها و لابی‌های چهره‌های خطی اصولگرا نهایتاً وادار به ائتلاف با مستقلین شدند. نشان جمع ولایی‌ها و جبهه پایداری و مستقلین باعث شد نتیجه روز یکشنبه مجلس رقم بخورد.

وضعیت ایران

● **نقشه‌کری**

● **نوید مؤمن،** مقامات حزب دموکرات مانند ترامپ به دنبال محدودکردن توان دفاعی و منطقه‌ای ایران و اعمال بازرسی از اماکن نظامی کشورمان هستند. فراتر از آن، دموکرات‌ها از ابتدا با گنجاندن بندهای موسوم به «غروب آفتاب» در توافق برجام مخالف بوده و به دنبال فرصتی برای دائمی‌کردن محدودیت‌های هسته‌ای ایران هستند. براساس در چنین شرایطی چه تفاوتی میان الاغ‌ها و قیل‌وچای آمریکایی وجود دارد؟ همان‌گونه که مشاهده می‌شود، نقشه و طرح دموکرات‌ها در قبال برجام، حتی نسبت به رویکرد فعلی دولت آمریکا در قبال توافق هسته‌ای پیچیده‌تر و خبیثانه‌تر است. دموکرات‌ها معتقدند باید توافقی هسته‌ای را به وجه‌المصلاح‌ه در پیروسه «مواجهه با ایران قدرتمند» مبدل کرد. در این منظومه چندقطبی که سابقه تعریف آن به دوره اول ریاست‌جمهوری باراک اوباما می‌رسد، «برجام» نه یک «پرونده حقوقی»، نه یک «توافق چندجانبه» و نه یک «سد بین‌المللی» محسوب می‌شود؛ «برجام» در این معادله، اسم رمز عملیات سران کاخ سفید علیه ایران محسوب می‌شود. عملیاتی که گاهی «قیل‌ها» و گاهی «الاغ‌ها» در اتاق فرماندهی آن می‌شینند.

شرق، زینب اسماعیلی: ایران و آمریکا روزهای پیچیده‌ای را می‌گذرانند. روزهایی که طرفین زیادی در تلاش هستند تا از شدت تنش بکاهند. اگرچه سخن از میانجیگری بسیار است اما هنوز دو طرف اصلی معادله، پای هیچ میز مذاکراهی ننشسته‌اند و فراتر از آن، صحبت از برخی نگرانی‌های منطقه‌ای و بالاگرفتن تنش هم هست. با کوروش احمدی، کارشناس سابق وزارت خارجه و دیپلماتی که سال‌ها در دفتر ایران در نیویورک کار کرده است، به آنچه این روزها بین ایران و آمریکا می‌گذرد، پرداختیم. او معتقد است زمینه‌های تنش آینده متفاوت است و می‌تواند با توجه به ازسریگیری احتمالی غنی‌سازی افزایش یابد.

● **ایران و آمریکا شرایط پیچیده‌ای پیدا کرده‌اند، در سؤال اول پرسش این است که اساساً اختلاف‌نظرهای گزارش‌شده بین جان بولتون و پمپئو را چقدر جدی می‌دانید و نهایتاً کفه ترازو به سمت کدامشان سنگینی خواهد کرد؟**

به‌طورکلی در بسیاری موارد در تاریخ معاصر آمریکا وزیر خارجه و مشاور امنیت ملی آبشان در یک جوی نرفته است. حوزه کار آنها هم‌پوشانی بسیار زیادی دارد و بنابراین میل به اصطکاک فراوان است. دعوی اصلی نیز بر سر کنترل روند تصمیم‌گیری در سیاست خارجی است. اگر مشاور امنیت ملی که باید پایه عمده هماهنگی‌کننده بین نهادهای مختلف باشد، بخواهد خود اعمال‌نظر کند، (مانند بولتون) اختلاف اوج می‌گیرد. دراین‌باره نمونه ساریس ونس (وزیر امور خارجه آمریکا در دوره رئیس‌جمهور جیمی کارتر) و برژینسکی (مشاور امنیت ملی در دولت جیمی کارتر) در ذهن بسیاری از ما ایرانیان حک شده است. از این امر کلی که بگذریم شواهدی وجود دارد که حاکی از هماهنگی بیشتر پمپئو با ترامپ و تندروتر و عجول‌تریون بولتون در مورد ایران است. سابقه بولتون در زمینه ایران روشن است. از تمرکز بیمارگونه او بر ایران در نزدیک به ۲۰ سال گذشته، ازجمله رابطه او با منافقین تا صحبت از «تغییر رژیم» و بمباران ایران، ذهن او را بیمار کرده است. در مقابل، پمپئو یک مسیحی تیشیری (اوانجلیک) و محافظه‌کار تندرو است که از این موضع نظرات افراطی درباره ایران پیدا کرده است. بیشتر به نظر می‌رسد که پمپئو و برابان هوک، رئیس اداره اقدام ایران در وزارت خارجه آمریکا، به‌عنوان وفاداران به ترامپ بیشتر متمرکز بر تأمین نظر او یعنی مذاکره با ایران و اعمال تغییراتی در برجام و تعدیلاتی در سیاست منطقه‌ای ایران هستند. البته آن ۱۲ شرط پمپئو را نیز بیشتر باید مواضع مذاکراتی به‌شمار آورد تا امری قطعی (فراومش نکنیم که دکتر طرفین نیز متقابلاً ۲۵ شرط برای آمریکا مطرح کرد). درحالی‌که به نظر می‌رسد بولتون نگران است که هرگونه مذاکراهی زهر موجود در روابط را بگیرد. مسیر امنیتی‌سازی ایران را کند و وضعیتی مثل رابطه آمریکا و کره‌شمالی ایجاد

کند. او که برخلاف پمپئو جاه‌طلبی رئیس‌جمهورشدن ندارد، احتیاط را هم ضروری نمی‌داند و مصر است که در خاتمه دوره کاری‌اش به تصور خودش کاری بکند کارستان. یکی از کارهای او تعطیل یا به حداقل رساندن نشست‌های کمیته مقامات اصلی امنیت ملی است؛ با این هدف که خود دست بالا را داشته باشد.

جلسات صبحانه دو بار در هفته او با پمپئو و شائاهان و تویست‌ها و بیانیه‌های او، ازجمله بیانیه ۵ می درباره اعزام ناو لینکلن، با موقعیت پمپئو به‌عنوان وزیر خارجه که باید به کنگره پاسخ‌گو باشد، منافات دارد.

● **بعد از تأیید و تکذیب‌های زیاد بالاخره پنتاگون تصمیم گرفت هزارو ۵۰۰ نیرو به منطقه اعزام کند، به نظر می‌رسد این تعداد نیرو به نسبت نیروی موجود آمریکا در منطقه چندان زیاد نیست شما هم بر این اعتقاد هستید؟ چرا بالاخره دست به اعزام نیرو زدند؟**

رسماً مدعی‌اند که این هزارو ۵۰۰ نیرو عمدتاً برای پشتیبانی امکانات موجود در منطقه است. اعلام این خبر به موازات ادعای پنتاگون در نسبت‌دادن حمله به چهار کشتی در فجیره به ایران بود. در این چارچوب، ورود تعبیر «بازدارندگی» به ادبیات نظامی و دیپلماتیک آمریکا نیز قابل‌توجه است. آنها مدعی‌اند که ایران منافع آمریکا و متحدان آمریکا در منطقه را تهدید می‌کند و از این نظر قصد بازدارندگی دارند. ظاهراً استراتژی ترامپ فرصت‌دادن

دیپلماسی

تحلیل کوروش احمدی؛ کارشناس روابط بین‌الملل، از دورنمای تنش ایران و آمریکا

بولتون دنبال کاری است کارستان



عکس: Gettyimage

به تحریرها برای اثرکردن و در این فاصله بازداشتن ایران از دست‌زدن به اقدام است. این یعنی اینکه آمریکا قصد اقدام نظامی علیه ایران ندارد و بنابراین نیازی به اعزام نیروی بیشتر نیست.

● **ماجرای قراردادهای فروش سلاح بعد از این تصمیم پررنگ شد، ترامپ در اولین سفر خود نیز قرارداد سلاح با عربستان را امضا کرد، الان وضعیت تسلیحاتی منطقه چگونه است؟ اساساً هدف از شوی یک ماه اخیر، این موضوع بود؟**

اعلام فروش حدود هشت میلیارد دلار سلاح به عربستان و اسرارات نیز در چارچوب نسبت‌دادن حمله در فجیره به ایران، اعلام اعزام هزارو ۵۰۰ نیرو و قضیه «بازدارندگی» مطرح شد. ترامپ اعلام کرد که بر اساس مجوزی در کنگره و تحت شرایط اضطراری نیازی به تصویب فروش جدید سلاح از‌سوی کنگره نیز نیست. شاید بیشتر بتوان گفت که این نیز یکی از استفاده‌های شوی جنجالی سه هفته گذشته ازسوی ترامپ بود.

● **آقای ظریف می‌گوید در شرایط فعلی با وزیر خارجه آمریکا تماس نخواهد گرفت، با به تماس آنها جواب نمی‌دهد، با این حال خبر تماس ایشان با سناتور فینستاین و تلاش سناتورها برای تماس با ظریف منتشرشد، با این شرایط این تماس‌ها چه جایگاهی دارند و چه هدفی را دنبال می‌کنند؟**

طبعاً در چارچوب مواضع نظام مبنی‌بر عدم

مذاکره با آمریکا. آقای ظریف نیز با دولت آمریکا تماس نمی‌گیرد. اما تماس با یک عضو کنگره نه در حکم تماس با دولت آمریکا است و نه در حکم مذاکره. این بسیار مطلوب است که ما بتوانیم با جهات مختلف در جامعه و سیاست آمریکا در تماس باشیم، نظرات واقعی خود را منعکس کنیم، با آنها مشورت کنیم و بگوئیم بر تصمیمات آنها اثر بگذاریم؛ با علم به اینکه وزارت خارجه آمریکا نیز در جریان گفت‌وگوها قرار خواهد گرفت. ضمن اینکه دولت نمی‌تواند مانع ملاقات یک عضو کنگره با یک مقام خارجی شود و الزامی نیز برای گزارش‌دادن به دولت ندارد. ضمن اینکه تقریباً همیشه در ۴۰ سال اخیر، مجوز لازم برای وزیر خارجه و نماینده ایران در سازمان ملل به‌منظور تماس با اعضای کنگره وجود داشته است.

● **برخی نگران درگیری‌های کوچک و احتمالی بین نیروهای ایران و آمریکا در خلیج فارس با کشورهای مثل عراق و سوریه که نیروهای ایران حضور دارند، هستند؟**

قطعاً این یکی از نگرانی‌های جدی است. به‌هرحال در مناطق عملیاتی همیشه امکان برخورد تصادفی و اشتباه و مانند اینها وجود دارد. (مانند قضیه منتهی به دستگیری تعدادی نظامی آمریکایی در خلیج‌فارس در سال ۱۳۹۵) و همیشه در مناطق عملیاتی نیز طرفین با طرف‌ها تدابیری برای جلوگیری از برخوردی ناخواسته به‌ویژه بالاگرفتن چنین برخوردی و تبدیل آن به یک جنگ تمام‌عیار اتخاذ می‌کنند. امیدوارم چنین ترتیباتی بین مسئولان ما و طرف مقابل وجود داشته باشد.

● **دورنمای سطح تنش موجود را چگونه می‌بیند؟ روند نزولی خواهد داشت یا صعودی؟**

همان‌طور که گفتم، ظاهراً اکنون استراتژی آمریکا این است که «فشار حداکثری» را اعمال کند و منتظر نتایج آن بماند. تاکتیک مکمل این استراتژی ظاهراً چیزی است که اسم آن را «بازدارندگی» گذاشته‌اند. یعنی مانع شوند که ایران در قبال «فشار حداکثری» دست به اقدامی علیه منافع آمریکا در منطقه برند. حال سؤال این است که آیا ایران می‌تواند دست روی دست بگذارد و اجازه اعمال فشار حداکثری را به‌طور نامحدود بدهد؟ سؤال دیگر درباره از سرگیری احتمالی غنی‌سازی است. اینکه پاسخ تیم ترامپ به این اقدام ایران چه خواهد بود نیز بسیار مهم است؛ چراکه غنی‌سازی خارج از محدوده برجام یعنی کاهش به‌اصطلاح «زمان گریز هسته‌ای یک ساله» که دولت اوباما مدعی بود که از طریق برجام اعمال کرده است، در این صورت ترامپ هم دستاورد اوباما را از دست داده و هم چیزی به دست نیاورده و به این دلیل در سیاست داخلی آمریکا تحت فشار قرار خواهد گرفت. بسته به نوع واکنش ترامپ، اینها عواملی است که می‌تواند به شکلی تئوری، زمینه‌ساز تنش‌ی جدید در آینده شود.

نگاه

نصرت‌الله تاجیک:

عدم تصویب (FATF) فروش نفت را سخت‌تر می‌کند

● **سرانجام لوائح چهارگانه چی می‌شود؟** ماه‌هاست که (FATF) در مجمع تشخیصی مصلحت نظام بررسی می‌شود، با اینکه دو لایحه از چهار لایحه تصویب شده است، اما هنوز CFT و پارلمو در کش‌وفوس‌های سیاسی این مجمع گرفتار مانده و معلوم نیست چه سرنوشتی پیدا خواهند کرد. هرچند استفاده سال گذشته قرار شد این دو لایحه بعد از تعطیلات سال نو، بررسی شود، اما هفته گذشته یکی از اعضای مجمع تشخیص اعلام کرد که بررسی این دو لایحه از دستور مجمع خارج شده است! خبری که با واکنش جنیدی، معاون حقوقی روحانی مواجه شد. به گفته او: «این خبر تلویحی است و صریح نیست و اصلاً عاملی نیست؛ چراکه به موضوعی که برای مجمع ارسال می‌شود، باید در زمان مشخصی رسیدگی شود». به گفته جنیدی؛ «حداکثر تا همین پنج ماه آینده مجمع تشخیص مصلحت نظام باید به این موضوع رسیدگی کند». این در حالی است که همان استفاده سال گذشته، گروه ویژه اقدام مالی علیه پول‌شویی و تأمین مالی تروریست (FATF) برای تصویب قوانین لازم برای مبارزه با پول‌شویی و تأمین مالی تروریسم مهلتی را برای ایران تعیین کرد. ظاهراً ۱۱ خرداد پایان مهلت تعیین‌شده است، اما همچنان این دو لایحه در بلاکلیفی به‌سر می‌برند و معلوم نیست اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام، چه تصمیمی درباره CFT و پارلمو خواهند گرفت. نتایج و تبعات تصویب و عدم تصویب این لوائح از سوی کارشناسان بارها عنوان شده، اما ابهام در سرنوشت دو لایحه باقی‌مانده، خود نکته‌ای است که در روزهای اخیر بر پیچیدگی‌های موضوع افزوده است. در همین زمینه با نصرت‌الله تاجیک، سفیر سابق ایران در اردن، گفت‌وگویی داشته‌ایم که در ذیل می‌خوانیم.

● **آیا می‌توان بررسی لوائح CFT و پارلمو را از مجمع تشخیص مصلحت نظام خارج کرد؟**

با توجه به توضیحات چند روز گذشته معاون حقوقی رئیس‌جمهور، مجمع دارای مکاتیمیسی است که نمی‌تواند این دو لایحه را از دستور کار خارج کند. در حقیقت باید به این دو لوائح جواب مثبت یا منفی داد. از جنبه حقوقی و مکانیسم اجرایی این لوائح – که یک کار تخصصی است- باید اعضای مجمع یا دبیر یا رئیس مجمع اظهارنظر کنند. اما چرا چنین بحثی می‌تواند اتفاق بیفتد؟ از جنبه سیاسی این مسئله، باید گفت که ما باید فعالیت‌های خود را استانداردسازی کنیم و ترجیحاً این استانداردها را هم باید بالا بگیریم تا بتوانیم با دنیا در تعامل باشیم، به‌ویژه به دلیل فروش نفت و مسئله بازگرداندن وجوه آن به کشور؛ یعنی باید سعی کنیم استانداردهای مبارزه با پول‌شویی و مبارزه با تروریسم که استانداردهای بومی‌ماست، تصویب و اجرایی شود. یعنی از هرجا و با هر قانونی شروع می‌کنیم، در اجرا آن سعی شود تا نقاط مبهم یا ضعیف آن گرفته شود و آن را توسعه دهیم. جامعه پویا و جوان ایران نیاز دارد که در مسیر یک‌لیست‌ها یا استانداردهای مبارزه، در تمام موارد، مخصوصاً مواردی که به نوعی به سیاست خارجی و اقتصاد سیاسی ما مربوط می‌شود، حرکت کند. یکی از ضعف‌های جامعه ما این است، موارد مکتوبی که می‌باید شهروندان حقوق و وظایف خود را بدانند، به‌طورکلی کم است. برای اینکه جامعه جوان درحال‌توسعه‌ما، بتواند به پیشرفت دست پیدا کند، باید تلاش شود تا کارهای مطالعاتی و استانداردسازی‌ها در سطوح سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی افزایش یابند. بنابراین در این زمینه نیاز به کار بیشتر داریم.

● **به نظر شما چرا بررسی این لوائح در مجمع تشخیص مصلحت تا این حد به درازا کشیده شده است؟**

(یک تلقی نیروهای متفاوت جامعه یا جناح‌ها از اثرات این استانداردهاست. دوم، به عقیده من به نحوه عملکرد کشورهای خارجی در برجام و مخصوصاً خروج آمریکا از برجام برمی‌گردد. یعنی ما در قبال برجام یک رویکرد تعاملی با دنیا نشان دادیم ولی متأسفانه ترامپ با این اقدام یکجانبه و خلاف قوانین بین‌المللی، باعث شد نتیجه خوبی از برجام بگیریم و این شرایط در داخل ایران به این ترجمه شده که ما حاضر شدیم رویکرد جدیدی را در ارتباط با دنیا داشته باشیم، ما می‌خواهیم از تبعات مثبت برجام استفاده کنیم ولی متأسفانه این حسن‌نیت خوب دیده نشد. بنابراین همان‌طور که می‌دانید این مسئله سبب شد تا در مجمع تشخیص مصلحت نظام دودستگی راجح به لوائح چهارگانه شکل بگیرد و عده‌ای موافق و عده‌ای مخالف آن باشند. عده‌ای که مخالفانند با این استدلال اصلی که چون توانستیم دست‌زدی از برجام داشته باشیم، پس تصویب هرگونه از این لوائح جز در‌دسر آتی نتیجه دیگری ندارد! منظور آنها همین خروج یک‌طرفه ترامپ از برجام است. متأسفانه به دلیل برخورد نامطلوب آمریکا و حتی سایر همپیمانان – به دلیل تیریه‌های آمریکا امکان تصویب سازنده و تأمین نیازهای جمهوری اسلامی از اینکه داخل برجام شده و می‌خواهد نیازهایش را برطرف کند، وجود ندارد- این سبب شده تا صدای آن دسته از مخالفان تصویب لوائح چهارگانه رساتر باشد.

ادامه در صفحه۱۵

داگ کیسی، تحلیلگر سیاسی و اقتصادی آمریکایی، در گفت‌وگو با «لوراکول»:

ایران برای هیچ کشوری تهدید نیست

ترجمه: کورش الماسی

شگفت‌زده شدم که ترامپ تنها آمریکایی‌ها را از دادوستد با ایران محروم نکرده است، او همچنین به روس‌ها، چینی‌ها و دیگران در جهان دستور داده و به آنها امر کرده است اجازه ندارند نفت ایران را بخرند. آنها از این دستور ترامپ پیروی نخواهند کرد. بنابراین، این تنها ایجاد تنش و مشکل با ایران نیست، بلکه فاجعه‌ای کامل با دیگر کشورهای جهان است. یک پیامد اجتناب‌ناپذیر عملکرد ترامپ این خواهد بود که تضعیف شدید دلار آمریکا را سرعت خواهد بخشید. هیچ‌کس نمی‌خواهد دلار را استفاده کند؛ آنها دلار را به‌مثابه تعهد ناپایدار دولت آمریکای ورشکسته تلقی می‌کنند. آنها این حقیقت را دوست ندارند که تمام پرداختی‌هایشان از طریق نیویورک فاش یا آشکار شود. به‌زودی، یک سیستم سوسیف جایگزین وجود خواهد داشت؛ احتمالاً از طلا استفاده خواهد شد بین چینی‌ها، روس‌ها، هندی‌ها و ایرانی‌ها یا وجود اینکه هیچ‌یک از آنها به پول یکدیگر اعتمادی ندارند؛ اما یازنده بزرگ، دلار خواهد بود و آمریکا که در حقیقت بزرگ‌ترین صادراتش دلار است، ایران یک فرهنگ باستانی است.

من می‌گویم حکومت ایران نیستم! اما حائز اهمیت است که درک شود حریف یا دشمن شما چه فکر می‌کند و چرا؟ آنها از آمریکا به‌خاطر جایگزین‌کردن دولت برآمده از انتخابات دموکراتیک در ۱۹۵۳ (میلادی) با یک دولت دست‌نشانده، شاه، آزرده هستند. آنها از اینکه آمریکا از صدام -بهترین دوست آمریکا در آن زمان- در یک دهه جنگ طولانی که حدود یک میلیون قربانی داشت، حمایت کرد، آزرده هستند. آنها سرنگونی پرواز ۶۵۵، ایرباس ۳۰۰ ایران‌ایر در مسیر برنهم‌ریزی‌شده به‌سوی دویی در ۱۹۸۸ (از توسط نام یواس اس ونیسن را به یاد دارند. در این شرایط بهترین دوست فعلی ما در منطقه عربستان سعودی است که در حقیقت از هر جهت بسیار بدتر است. ایران برای هیچ کشوری خطرناک نیست، نه حتی برای اسرائیلی‌ها و عربستانی‌ها و به‌هیچ‌وجه برای آمریکا. اجازه دهید ایران راه خودش را برود و به مسائل خودش بپردازد. تلاش برای تحریک آنها به رفتار با عملی که ممکن است به جنگ جهانی سوم منجر شود، فرای دیوانگی است. این چیزی یا عملکردی است که من از هیلاری کلینتون انتظار داشتم نه از ترامپ؛ مبتنی بر وعده‌هایش مبنی بر عدم دخالت در دیگر کشورها قبل از اینکه او به ریاست‌جمهوری برسد.ا اینکه ترامپ، هیلاری را شکست داد خیلی خوشحال هستم، اما من یک حامی جدی ترامپ نیستم. به‌هرصورت، ترامپ هیچ درون‌مایه فلسفی ندارد. او خودکام‌های است که تنها به غریزه یا شم خود اتکا دارد. بنابر عملکرد او تا این هنگام، ترامپ یک آزادی‌خواه نیست بلکه بسیار با این ویژگی غریب است. او قادر است هر چیز غیرقابل‌پیش‌بینی را انجام دهد.ترامپ نشان داده است که در انتخاب همکاران خود فوق‌العاده بد قضاوت می‌کند؛ به ویژه مشاور امنیت ملی جان بولتون و وزیر امور خارجه مایک پمپئو. اما حقیقتاً، تقریباً هرکسی را که او در کابینه‌اش منصوب کرد، عضوی از دولت پنهان است. احتمالاً بولتون، از زمان هنری کسینجر، خطرناک‌ترین فردی است که نزدیک یک رئیس‌جمهوری قرار گرفته است. او یک جنگ‌طلب حرفه‌ای بیمار است.

● **اگر چه موافق هستم که خطر خیلی جدی است، اما ریسک اینکه یک تقابل نظامی اتفاق بیفتد، چقدر است؟**